

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۰۹۳۲



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

ولایت، نبوت و رسالت

از دیدگاه امام خمینی (ره) و محی الدین بن عربی

استاد راهنما

حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان

استاد مشاور

حجة الاسلام والمسلمین دکتر احمد عابدی

کتابخانه اساتید بزرگ علمی ایران
تاسیس ۱۳۵۷

نگارش و پژوهش

زهرا سادات کبیری

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۲۳

۱۳۸۶ / ۱۰ / ۲۳

تقدیم نامه:

تقدیم به ساحت قدس ولی الله الاعظم، خاتم الاولیا، قطب دایره امکان و مدار هستی و اقیانوس بی کران رحمت الهی و واسطه، مبدأ و مرجع و منتهای دار وجود و صاحب مقام ریاست تامه کون و کائنات، خلیفه کبرای الهی و نور اقرب و کلمه تامه الهیه که شمس ولایت از مشکاة وجود او می درخشد؛ خواجه عالم، صاحب الزمان ابا صالح المهدی (عج).

و تقدیم به بانوی دو عالم، انسان کامل و مظهر صفات الهی و جلوه سیده عالمین؛ فاطمه زهرا علیها السلام؛ دخت موسی بن جعفر علیهما السلام، فاطمه معصومه علیها السلام در درخشان سرزمین ایران، شفیعه اهل عالم در روز جزا که در حق او ولی مطلق الهی فرموده است: لك عند الله شأنًا من الشأن

و تقدیم به آن عالم عارف و روح پرفتوح و مجاهد نستوه و رادمرد عرصه علم و معرفت و عشق و دیانت و سیاست ذریه رسول و جلوه تابناک انسان کامل حضرت امام خمینی (قدس سره) که رهبر و رهنمای جامعه بشریت بود و با نور ولایت و حکمت خود مسلمین را از خواب گران بیدار نمود.

و تقدیم به مادر گرامی و عزیز و پدر دلسوز و مهربانم که اینجانب چند ماهی است از محبت و تشویقات و نصایح آن ذریه رسول که به دیار باقی شتافتند، محروم مانده‌ام.

و تقدیم به همسر عزیز و بزرگووارم و والده مکرم ایشان که همواره مرا در تحصیل معارف الهیه و عمل به آن حقایق، ترغیب و توصیه می نمایند.

سپاس و ستایش

ستایش و سپاس مخصوص خدای بی همتاست که با قدرت کامل و ازلی و رحمت واسعه و ابدی و با آن حکمت سرمدی کتاب وجودی انسان را تدوین نمود که فرمود: «إِنَّ كِتَابَ الْإِبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ» و اوراق و صحایف کتابش را آکنده از علوم نامتناهی پنهان و ظاهر و غیب و شهود نمود و آن کنز مخفی ولایت کلیه مطلقه را در انسان به ودیعه و امانت سپرده و درود و تحیت فراوان و بی انتها بر مبدأ و سرسلسله وجود و اصل و مطلع هر نور وجود و مرجع و منتهای اولیا و انبیاء و آغاز و انتهای رسالت، مفسر حقیقی کتاب هدایت و آن که فقط او لایق مقام قاب قوسین او ادنی است و علت خلقت افلاک است و اولین گوهر خزانه هستی، محمد مصطفی ﷺ و نایب و خلیفه او، مرکز دایره وجود، سلطان سریر ولایت و وصی بلافصل خاتم النبیین، کاشف رموز ازلی و ابدی و محرم اسرار محمدی ﷺ امیر المؤمنین علی بن ابیطالب ؑ و درود و سلام و صلوات بی پایان بر آخرین خورشید بی همتای ولایت، قطب فلک کرامت و عالم کائنات و کشف قدرت لم یزلی و مظهر عجایب و غرایب، محرم بارگاه صمدیت و یگانه هستی که انتظام عالم و قیام بنی آدم به برکت وجود اوست.

و با تقدیر و سپاس فراوان از اساتید محترم حجة الاسلام والمسلمین دکتر گرجیان و همین طور جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر عابدی که با بذل وقت و دانش خود، با بزرگواری و سعه صدر، اینجانب را در این امر راهنمایی و هدایت فرمودند.

چکیده

مسأله ولایت به معنای قرب الی الله از ارکان مباحث عرفان توحیدی است که حقیقت آن در دراری و ذراری وجود سریان دارد. این مبحث از نظر دو عارف بزرگ و نامدار، حضرت امام خمینی (ره) و محی الدین بن عربی مورد ملاحظه قرار گرفته است که با وجود اینکه ابتکارات و نظرات خاص خود را در مباحث عرفانی دارند لکن عمدتاً در این مباحث، همسو هستند. برای شناخت و معرفت نسبتاً جامع به مسأله ولایت، درک و فهم مباحث. وحدت وجود و تجلی و ظهور بسیار ضروری است. زیرا این ساحت فکری است که عارفان محقق به بحث ولایت و ظهورات آن همچون خلافت و نبوت و رسالت می پردازند. از طرفی توجه و شناخت به نظام اسماء الله الحسنی و حضرات و عوالم خمسه ما را به جایگاه والا و سعه وجودی ولی و خلیفه الهی به عنوان انسان کامل رهنمون می سازند.

ولی اعظم الهی، کون جامع و تجلی اعظمی است که مبدأ و منشأ کل اسماء الله الحسنی و کافه کائنات است و در واقع قیامت کبرای الهی است که از نظر حضرت امام خمینی واصل به مقام احدیت حق گشته و اولین تعین و خلیفه حق است و جمیع حقایق موجودات در او انطوا و امحاق یافته اند لکن ابن عربی قائل است که انسان کامل به عنوان ولی الهی تا مقام اسم اعظم حق در مرتبه واحدیت نایل می گردد. خلافت انسان کامل که ظهور ولایت اوست، همچون ولایت دارای مراتبی است و ختم آن متعلق به یک نور واحد، یعنی حقیقت محمدیه و علویه است. انسان کامل به سبب احاطه وجودی و قیومی دارای سعه قلبی است که هیچ علم و قدرتی و هیچ کمالی خارج از آن قابل تصور نیست.

نبوت به معنای اظهار ما فی الکن نیز از ظهورات حقیقت ولایت و خلافت است که اولین مرتبه آن انباء اسم اعظم الهی است و جنبه لدی الخلقی آن رسالت نام دارد که آخرین مرتبه انباء و محدود به عالم شهادت و زمان و مکان دنیوی می باشد. نبوت نیز همچون ولایت طبق نظر عموم عرفا موهبتی است الهی ولی از نظر حضرت امام کسب نیز در این دخیل است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه: طرح تحقیق
۲	تبیین موضوع
۳	تاریخچه بحث
۴	اهمیت و فایده موضوع
۷	سؤال اصلی پژوهش
۷	سؤالات فرعی
۷	فرضیات
۸	فصل بندی
۱۰	بخش اول: مبانی و مقدمات مسأله ولایت و نبوت
۱۱	الف) مبانی مسأله ولایت و نبوت
۱۲	فصل اول: وحدت وجود
۱۳	منهزم و مصداق وجود
۱۴	حقیقت وجود در مشهد عرفان
۱۴	وحدت مساوق وجود

۱۶	وجود حق از منظر فیلسوف و عارف
۱۷	قول عرفا و فلاسفه در مورد وحدت وجود
۲۱	اضافه اعتباریه در عرفان
۲۲	تمائیل وحدت وجود
۲۳	اعتبارات وجود
۲۴	وحدت وجود در آیات و روایات
۲۵	وحدت و تمیز خالق و مخلوق
۲۷	وحدت وجود در افکار ابن عربی
۲۸	ظهور احدیت حقه از منظر ابن عربی و امام خمینی
۳۲	فصل دوم: تجلی و ظهور
۳۳	مقدمه
۳۳	حقیقه و رقیقه
۳۴	علیت و تجلی
۳۴	تجلی و عین الربط بودن
۳۵	تجلی و عدم تجافی ذات از مقام خود
۳۵	معنای تجلی
۳۶	تجلی و کشف
۳۶	تجلی و ظل
۳۶	انواع تجلی
۳۷	تعین و تنزل و تجلی
۳۷	تجلی و آیات و روایات
۳۸	تجلی و وحدت شخصی وجود
۳۹	تجلی و صنات متضاد

۴۰	حجب الهی
۴۲	تجلی و مقام احدیت
۴۳	تجلی و لزوم برزخ
۴۴	تجلی و فیض دائم
۴۴	تجلی و حب ذاتی
۴۴	تجلی و تشکیک
۴۵	تجلی و اتحاد ظاهر و مظهر
۴۶	اتحاد در غیر از مقام ذات
۴۶	مرآتیت و تجلی
۴۸	تجلی و مسأله قابل و فاعل
۴۸	تجلی ذاتی
۵۰	تجلی اعظم الهی
۵۲	ب) مقدمات مسأله ولایت و نبوت
۵۳	فصل اول: حضرات و عوالم خمسه
۵۴	مقدمه
۵۴	الف) حضرات و عوالم
۵۵	معنای عالم
۵۵	حضرت و عالم از نظر امام خمینی
۵۶	عالم در اصطلاح عرفان
۵۶	معنای عالم
۵۷	ب) کمیت عوالم و حضرات الهیه
۵۷	از نظر مشاءیان و اشراقیون
۵۷	از نظر پیروان حکمت متعالیه

۵۷	از نظر ابن عربی و قیصری
۵۹	همت عارف در خلق اشیاء
۶۰	کمیت عوالم از نظر امام خمینی
۶۱	انسان کون جامع است
۶۲	فصل دوم: اسماء و صفات الهی
۶۳	مقدمه
۶۴	اهمیت بحث اسماء
۶۵	تعریف اسم
۶۷	ظهور اسماء و صفات در مراتب حقایق الهی
۶۹	تقسیمات اسماء
۷۰	نظر ابن عربی و امام خمینی در مورد تقسیم بندی اسماء
۷۳	تغایر و عدم تغایر اسماء با یکدیگر و با ذات الهی
۷۷	الهیات سلبی و اثباتی
۷۹	أمهات اسماء
۸۰	نحوه ارتباط اسماء با یکدیگر
۸۱	حکومت و دولت اسماء
۸۴	اسم الرحمان
۸۶	اسم (الولی)
۸۸	اسم اعظم
۸۸	(۱) اسم اعظم جامع الرحمان و الرحیم
۸۹	(۲) مراتب اسم اعظم
۹۳	(۳) همه اسماء اسم اعظم هستند
۹۵	(۴) اسم اعظم واسطه احدیت و واحدیت

۹۵ (۵) اسم اعظم و عین ثابت انسان کامل
۹۶ (۶) اسم مستأثر
۱۰۰ بخش دوم: ولایت و خلافت
۱۰۱ فصل اول: ولایت
۱۰۲ ولایت از نظر امام خمینی و ابن عربی و تعدادی از بزرگان
۱۰۴ حقیقت ولایت
۱۰۵ ولایت همان امانت الهی و مشیت مطلقه است
۱۰۷ ولایت، تار و پود هر موجود
۱۰۷ فطرت طالب توحید و طالب حقیقت ولایت
۱۰۸ ولایت تکوینی و تشریحی
۱۱۰ ولایت اولیا تجلی ولایت الهی
۱۱۱ ابا از اظهار معجزات
۱۱۳ اتحاد ولایت کلیه احمدی و ولایت مطلقه علوی
۱۱۶ ولایت عامه و خاصه
۱۱۷ ولایت عامه
۱۱۷ ولایت خاصه
۱۱۹ خاتم ولایت
۱۲۵ کسب و موهبت در ولایت
۱۲۸ طریقه اکتساء به کسوت ولایت
۱۳۲ سیر و سلوک زیر پرچم شریعت و معلم هدایت
۱۳۴ فصل دوم: خلافت
۱۳۵ مقدمه

۱۳۵ الف) خلافت
۱۳۶ ۱- خلافت در عین فقر و عبودیت محض
۱۳۷ ۲- جنبه یلی الحقی ولدی الخلقى خلیفه
۱۳۹ ۳- خلیفه یک حقیقت واحد است
۱۳۹ ۴- هر ربوبیتی مظهر ربوبیت خلیفه کبری است
۱۴۰ ۵- خلافت ظهور الوهیت
۱۴۰ ۶- انطوای الوهیت و رسالت و ولایت در یکدیگر
۱۴۰ ۷- خلافت عام و خلافت تشریح
۱۴۱ ۸- خلافت در ظهور و خلافت در مظهریت
۱۴۲ ۹- عدم استقلال در خلافت
۱۴۳ ب) شایستگی انسان کامل در خلافت الهی
۱۴۴ ۱- شایستگی انسان و فرشته در مسأله خلافت
۱۴۵ ۲- تقدس و تسبیح انسان و ملائکه
۱۴۵ ۳- انسان غایت قصوا
۱۴۸ ۴- خلافت شایسته کون جامع است
۱۴۹ ۵- سر سجده ملائکه بر انسان
۱۴۹ ۶- انسان و صفات متضاد
۱۵۰ شروط خلافت از نظر شارح مفاتیح الغیب
۱۵۱ حظّ فرشتگان از مقامات توحیدی
۱۵۲ ۸- انسان کامل قطب عالم است
۱۵۵ ج) وجوب وجود خلیفه و خلافت الهی
۱۵۶ ۱- لزوم وجود مرآت مُصَفَّآ به نحو اتم
۱۵۷ ۲- وجود عالم فرع وجود خلیفه

- ۳- وجوب خلیفه از جهت روایات ۱۵۸
- ۴- وجوب وجود خلیفه در مظهریتش از اسم الله و اسم (ولی) ۱۵۸
- فصل سوم: خلیفه و مستخلف عنه ۱۶۰
- تنزیه و تشبیه و امر بین الامرین ۱۶۱
- تنزیه و تشبیه از نظر فلاسفه و متکلمان ۱۶۱
- تنزیه و تشبیه در عرفان ۱۶۲
- تنزیه و تشبیه از صفات متقابله نیست ۱۶۳
- من عرف نفسه فقد عرف ربه ۱۶۴
- قرآن و فرقان ۱۶۵
- جمع تنزیه و تشبیه عقیده‌ای محمدی است ۱۶۶
- امر بین الامرین ۱۶۶
- خلیفه و مستخلف عنه ۱۶۷
- ماهوت یا ذات غیبی حق ۱۶۸
- عالم احدیت (تعین اول) ۱۷۰
- فیض اقدس ۱۷۰
- تجلیات فیض اقدس ۱۷۰
- عالم اعیان ثابته و صور اسماء الهیه ۱۷۴
- واحدیت ۱۷۵
- لیله قدر ۱۷۷
- خلافت و مقام رحمانیت و رحیمیت ذاتی ۱۷۹
- فیض مقدس و وجود منبسط یا مشیت مطلقه الهی ۱۸۰
- عقل اول اولین صورت وجود مطلق ۱۸۲
- خلیفه در مرتبه خلق ۱۸۵

۱۸۸	فصل چهارم: وجهه حقى خليفه
۱۸۹	مقام قاب قوسين و آو آدنى (مقام برزخيت كبرى)
۱۹۱	وجوب در حق و وجوب در انسان كامل
۱۹۱	ولى و خليفه الهى واسطه رجوع موجودات به حق تعالى
۱۹۲	كمال جلا و استجلا
۱۹۴	بخش سوم: مقامات انسان كامل و حقيقت محمدية به عنوان خليفه الهى
۱۹۵	فصل اول: مقام علمى انسان كامل و حقيقت محمدية
۱۹۶	مقدمه
۱۹۸	مقام توحيدى
۱۹۸	اركان اربعة توحيدى
۲۰۰	انسان كامل و حقيقت محمدية جامع كتب تكوينى و صحائف علمى حق
۲۰۱	مرتبه او ادنى مرتبه اول كتاب الهى و بطن هفتم
۲۰۴	عصمت علمى و نورى انسان كامل
۲۰۵	احاطه بر اشياء و عوالم به ترتيب تكميل آن
۲۰۶	قلب نبى ختمى اوسع از وجود منبسط است
۲۰۷	آگاهى از علم ربوبى و اطلاع بر اعيان ثابته و صاحب علم جم
۲۰۷	فتح قله‌هاى معرفت
۲۱۰	فصل دوم: مقام تكوينى انسان كامل و حقيقت محمدية
۲۱۱	انسان كامل روح و نفس عالم
۲۱۲	تحقق به مقام امر
۲۱۳	حقيقت ليلة القدر
۲۱۴	قبله آفاق و كل عالم هستى

۲۱۵	عبودیت و ربوبیت
۲۱۷	فصل سوم: انسان کامل و اسماء و صفات الهی
۲۱۸	انسان کامل و اسماء و صفات الهی
۲۱۸	یدی الجمال والجلال و مثل اعلاى حق و آیت الله کبری
۲۱۹	انسان کامل صراط مستقیم حق
۲۲۰	اختلاف اولیا بر حسب تجلی صفات حق
۲۲۲	بخش چهارم: نبوت و رسالت
۲۲۳	فصل اول: معنا و حقیقت نبوت
۲۲۴	معنای نبوت
۲۲۴	حقیقت نبوت
۲۲۵	رابطه رسول و نبی و ولی؛ (رسالت، نبوت، ولایت)
۲۲۷	نبوت عامه و نبوت خاصه
۲۲۷	نبوت عامه
۲۲۸	نبوت خاصه
۲۲۸	فرق بین نبوت در کلام و عرفان
۲۲۹	رسالت وجهه خلقی نبوت
۲۳۱	فصل دوم: مراتب نبوت و ختم نبوت
۲۳۲	مراتب نبوت
۲۳۴	خلعت نبوت و ختم آن
۲۳۵	ختم نبوت و عدم تکرار در تشریح
۲۳۷	امتیاز انبیاء
۲۳۹	فصل سوم: خلیفه بعد از نبی

فصل چهارم: موهبت و کسب در نبوت ۲۴۵

خاتمه: نتیجه گیری ۲۴۹

فهرست منابع ۲۵۴

الف) منابع فارسی ۲۵۵

ب) منابع عربی ۲۵۶

مقدمه:

طرح تحقیق

تبیین موضوع

ولایت که از بزرگ‌ترین شؤونات الهی است و در واقع همان قرب به حق است حقیقت و باطن خلافت انسان کامل و نبوت اوست و همچون مراتب و تعینات وجود عبارت است از تعیین اول - مقام او ادنی و مرتبه فیض اقدس و یا همان هویت غیبی - و تعیین ثانی - مقام قاب قوسین و مقام اسماء و صفات و حضرت علمیه - و مرتبه عقول طولیه و عرضیه و عالم مثال و عالم شهادت و نماده.

حقیقت ولایت در جمیع مراتب ساری است و از سریان تجلی ولایت است که مراتب تعیین می‌یابند و از آنجا که ولی حقیقی و بالذات خدای سبحانه و تعالی است برای شناخت بهتر خلیفه و خلافت به شناخت شؤونات مستخلف عنه پرداخته می‌شود تا خلیفه و ولی در مراتب و ظهورات حق مشخص گردد.

در واقع ولی مطلق الهی که همان انسان کامل محمدی است بر وجهه حقانی خود که ولایت است خلیفه است و واسطه فیض از غیب ذات و مقام احدیت و مقام واحدیت است و مبدأ و منشأ و منتهای جمیع کائنات و موجودات است و غیر از حقیقت محمدیه و انسان کامل محمدی هیچ یک از مراتب و تعینات مظهر کامل و اتم وجود حق و مرآت تام اسماء و صفات حق نمی‌باشد و صلاحیت مظهریت کامل حق را ندارد و حبّ الهی به ظهور و کمال جلا و استجلا، ظهور صورت اعتدالیه‌ای را اقتضا می‌کند که نه وجدت ذاتیه بر آن غلبه داشته باشد و نه کثرت

امکانی بر آن حقیقت مسلط باشد بنابراین مقام ولایت مطلقه مقام برزخ بین وجوب و امکان و حجاب اکبر است که برای نبیل به آن مقام، ولی مطلق الهی باید اسفار اربعه را به اتمام و اکمال طی کند و آن ولیی که در مقام فنای اسماء، فانی در اسم اعظم الهی می‌گردد، خاتم ولایت است و با پیشی گرفتن در سیر سفر چهارم بر دیگر اولیاء، خاتم نبوت نیز خواهد بود.

نبوت که اشتداد ولایت ولی است ظهور خلافت اوست و همان اظهار و انباء از ذات و اسماء و صفات حق در مراتب مذکور است و از آنجا که هر قوسی لسان مخصوص به خود را دارد نبوت در هر مرتبه‌ای در شأن و متناسب با آن مرتبه است و نبوت در نشئه خلقی همان جهت خلقی و ملکی و تشریحی نبی است که با انتهای سفر چهارم به آن نایل گشته است و با رسالت خویش، تبلیغ شریعت و هدایت و ارشاد ابناء بشر را با توجه به لسان استعداد آن‌ها بر عهده دارد. بنابراین ولایت و نبوت و رسالت از شؤونات و مقامات گوهر هستی یعنی انسان کامل محمدی است که اکثر عرفا به آن اذعان دارند از جمله حضرت امام خمینی و محی الدین بن عربی که در اصل موضوع نظرات یکسانی دارند گرچه هر کدام در فروعات مسأله صاحب رأی و ابتکارات نیز می‌باشند همچون مسأله اسماء و صفات و اسم مستأثر و مقام هویت غیبی.

تاریخچه بحث

مسأله ولایت و نبوت و رسالت با توجه به اهمیت آن از دیرباز در کتب عرفانی عرفا بررسی و بنا به نظر هر یک مورد تبیین قرار گرفته است. ابن عربی و شاگردان و شارحان او نیز در رسائل و کتب خود به آن پرداخته و از اصل و فروعات آن بحث کرده‌اند. در کتب و مقالات متأخر نیز هر کدام از ولایت و نبوت به طور جداگانه و یا از منظر بعضی عرفا مورد بررسی قرار گرفته است. لکن به مسأله رسالت در مشهد عرفان کمتر پرداخته شده است و همچنین ولایت و نبوت و رسالت به طور یک جا از منظر این دو عارف بزرگوار یعنی امام خمینی علیه السلام و ابن عربی مطرح نشده است. لذا تطبیق اندیشه و معرفت عرفانی این دو عارف و عالم محقق حول محور ولایت و نبوت و رسالت و رساله حاضر انجام گرفته است.

اهمیت و فایده موضوع

همه مباحث علم عرفان را می‌توان در جهت پاسخ به این دو پرسش دانست: توحید چیست و موحد کیست یعنی دو رکن خداشناسی و انسان‌شناسی - انسان کامل - که همان دو محور اصلی توحید و ولایت می‌باشد. لذا ولایت و ظهور و اشتداد آن یعنی نبوت از مهم‌ترین مسائل عرفانی است. ولایت در تار و پود هر موجودی قرار دارد اگر چه آن موجود، (در صورتی که انسان باشد) این مطلب را انکار نماید لکن چون پا به عرصه وجود گذاشته است قطعاً ولایت را پذیرفته اما به طور ناقص. در واقع بدون ولایت که عین وجود است و واسطه فیض حق است، حق متعال در کمون و بطون و در همان ذات غیب مغیب مخفی می‌ماند لذا در این صورت نه اسماء و صفات حق مطرح می‌باشد و نه فیوضات حق جاری و ساری بود. لذا شناخت ولایت که وجهه حقیقی انسان کامل است ما را با شناخت انسان کامل و آینه اتم الهی می‌رساند چنان که (من عرف نفسه فقد عرف ربه) و چه نفسی بالاتر از نفس انسان کامل محمدی. گرچه این شناخت یک شناخت نظری است و در عرفان نظری مطرح می‌گردد لکن مقدمه و زمینه‌ای است برای معرفت قلبی و شهود حقایق الهی زیرا انسان کامل مستجمع تمام حقایق الهی است و نفس او نفس کل و عقل او عقل کل است. بنابر این با تکمیل قوه نظریه و احاطه به مبانی نظری عرفانی از جمله مسأله مهم ولایت و رکن عرفان یکی از ابزار نیل به مدارج یقین و رسیدن به مراتب کشف و شهود مهیا می‌شود زیرا علم الیقین مرتبه نازله عین الیقین و حق الیقین است.

در باب این مسأله از میان عرفای اسلامی، حضرت امام خمینی و محی الدین ابن عربی را برگزیدیم. ابن عربی را از این جهت که به گفته مرحوم سید جلال الدین آشتیانی، احدی هم سنگ و هم پایه او نیست و دانشمندان بعد از او ریزخوار سفره بی دریغ اویند. ابن عربی از برجسته‌ترین چهره‌هایی است که در سیر معرفت عقلی و تطور عرفان اسلامی نقش بزرگی به عهده داشته و یکی از مهم‌ترین شخصیت‌ها در پیشرفت عرفان نظری و معرفت عقلانی است. در میان اهل علم و اهل قلم کمتر کسی تألیفاتش هم‌سنگ آثار و تألیفات ابن عربی است تألیفات او رساله‌های کوچک تا آثار بزرگ و قطوری همچون فتوحات مکیه را در بر می‌گیرد و تکرار و تعدد آثارش صرفاً

کثرت ظاهری نیست بلکه آثار او از جهت معنا و محتوا نیز گوناگون است. روش او در مسائل هستی از جمله ولایت و نبوت بر اصل اساسی وحدت وجود استوار شده است. و امام خمینی نیز به این دلیل که اعجوبه عصر و رادمرد و استوانه ساحت عرفان است و مرشد و هادی افکار جامعه مسلمین و عالم جامع به علوم فقهی و فلسفی و عرفانی که کتاب *مصباح الهدایه* او در سن ۲۹ سالگی شان از آثار ماندگار و ارزشمند عرفانی است و در حل مباحث پیچیده، نبوت و ولایت و کیفیت سریان ولایت محمدیه و علویه در ذراری وجود از آثار نفیس است.

ایشان گرچه در هر رشته علمی به خاطر برجستگی شان در آن علم مباحث علوم مختلف را خلط نمی‌کردند یعنی در مقام فقاقت، فقیه و در مقام عرفان، عارف و در هر دو صاحب نظر بودند اما بین این دو (فقه و عرفان) پیوند برقرار می‌کنند و تعلق آن‌ها را برجسته می‌نمایند و شخصیت ایشان همواره جلوه‌ای از جامعیت ایشان را بروز می‌دهد.

عرفان در تاریخ تطور خود با ظهور حضرت امام وارد این مرحله می‌گردد که در آن، عارف واقعی و کمال یافته کسی است که در عین دارا بودن شخصیت دینی و معنوی و عرفانی خود، شخصیت اجتماعی و سیاسی و علمی او، بروز و ظهور داشته باشد و عرفان مبدل می‌گردد به وجهه معنوی دیانت، جامعیت مقام امام خمینی به گونه‌ای است که نمی‌توان او را در یک طیف و در یک صنف علمی ویژه قرار داد و از دیگر ویژگی‌ها برحذر داشت، به عنوان مثال ابن عربی گرچه عالم به فقه و اصول بوده و در فتوحات مکیه، فتاوی خود را در کنار فتاوی فقهای مذاهب اربعه و امامیه می‌آورد لکن به عنوان یک اصولی و یک فقیه و یا یک متکلم مطرح نیست و صرفاً او را به عنوان یک عارف صاحب مکتب عرفانی می‌شناسند. حضرت امام به آثار ابن عربی احاطه داشتند و مباحث آن در نزد ایشان بسیار ملموس و هموار بود چنان که در آثارشان همچون *مصباح الهدایه* و *تعلیقات بر فصوص* و غیره به نقل و گاهی به نقد آرای ابن عربی می‌پردازند. شخصیت امام را نمی‌توان به فقه و اصول و همچنین به فلسفه و علوم عقلی و یا عرفان محدود نمود گرچه می‌توان گفت که ایشان هم فقیه هستند هم اصولی، و هم عارف و فیلسوف. عرفان امام خمینی به شدت شیعی و بر مبنای آیات و احادیث ائمه اطهار استوار است. علی ای حال